



مکتب حدیثی

قَیْرَوَان

مهدی هوشمند

مَدْرَسَةُ الْحَدِيثِ فِي الْقَيْرَوَانِ

مَنْ الْفَتْحِ الْإِسْلَامِي
إِلَى مُنْتَصَفِ الْقَرْنِ لِقَائِمِ الْهَجْرِي

تأليف
المستشرق محمد شواط

الجزء الأول

دارالعلوم مکتب الحدیثی

مَدْرَسَةُ الْحَدِيثِ فِي الْقَيْرَوَانِ مِنْ الْفَتْحِ الْإِسْلَامِي إِلَى مُنْتَصَفِ الْقَرْنِ الْخَامِسِ الْهَجْرِي، الْحَسِينِ

بْنِ مُحَمَّدِ شَوَاطٍ، رِيَاضُ، الدَّارُ الْعَالَمِيَّةُ لِلْكِتَابِ الْإِسْلَامِي، ١٤١١ هـ، ج ٢، ٧٢-١ ص، أول، وزيري.

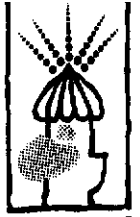
قارهٔ افریقا در زمینه علوم شرعی، خصوصاً علم حدیث، فعالیت های چشمگیری داشته است و در این زمینه، مراکز علمی و فرهنگی و مذهبی آن جا رشد قابل ملاحظه ای داشته اند. به جرئت می توان ادعا کرد که این خطه، در حفظ آثار و سنن اسلامی و ترویج سنت نبوی نقش بسزایی داشته و با وجود مراکز علمی - دینی بزرگی چون الازهر مصر و دانشگاه های اسلامی در تونس و سایر بلاد افریقایی، به خوبی می توان به نقش این قارهٔ بزرگ در پیشبرد علوم اسلامی در طول تاریخ، پی برد.

قَیْرَوَان نیز از این حرکت عظیم و پرجوش، عقب نمانده و با وجود دانشگاه ها و مدارس حدیثی در این مرکز اسلامی، در برهه ای از زمان به خوبی درخشیده و سهم بسزایی از خود به جای نهاده است.

استاد حسین بن محمد شواط، در کتاب خود، مدرسهٔ الحدیث فی القیروان، ضمن

معرفی این مرکز علمی - اسلامی، به بررسی حدیث و حدیث شناسی و حدیث پژوهی در

مدت زمانی کوتاه، یعنی از ابتدای ورود اسلام به افریقا تا نیمه قرن پنجم هجری نموده



است و با بیان موقعیت جغرافیایی قیروان و چگونگی رشد این پژوهشگاه ها در آن، به بیان نقش آنها پرداخته است.

این کتاب که رساله پایان نامه دکتری مؤلف از دانشکده اصول دین شهر ریاض است و در دو جلد به چاپ رسیده است، ضمن بیان این مهم، به معرفی بعضی از مراکز علمی-مذهبی در سرزمین های افریقایی پرداخته و با بیان ویژگی های این شهرها، خصوصاً در پنج قرن اول هجری، در پذیرش و گسترش اسلام و نشر سنت نبوی، چالش ها و موانعی را که در این زمینه وجود داشته و سلسله مبارزاتی را که از سوی عالمان بزرگ آن جا صورت پذیرفته، به رشته تحریر درآورده است و ضمن ارج نهادن به این مبارزات، در راه حفظ سنت نبوی، نقش قیروان و علمای آن را نیز بیان کرده است.

نویسنده، کتاب خود را با یک مقدمه و سه باب آغاز کرده و با یک خاتمه پایان داده است. او نخست در مقدمه به بیان حدود جغرافیایی منطقه افریقا و موقعیت قیروان پرداخته و سپس، قیروان را از جهت سیاسی و دینی و اجتماعی و اقتصادی، مورد بحث قرار داده و در خلال آن، درباره گسترش فرهنگ دینی، خصوصاً حدیث شناسی و ویژگی های مراکز حدیث پژوهی در این شهر، سخن گفته است.

ابن شواط در مقدمه کتاب، چنین می نویسد:

در باب اول این کتاب، نخست زمینه های گسترش علوم در قیروان و تاثیر آن را در علم حدیث بیان داشته ام و آن را به دو فصل تقسیم نموده ام: در فصل اول، فهرستی از مراکز مختلف علمی موجود در قیروان را آورده ام و دایره آن را به علم حدیث، محدود نموده ام. سپس بحث را گسترش داده و در مورد سیر مهم ترین علوم شرعی در این برهه از تاریخ در قیروان، به بحث پرداخته ام و در کنار آن، مشاهیر دانشمندان هر فنی را با نمونه هایی از تالیفات و تصنیفات هر یک، بیان نموده ام و در پایان، موقعیت حدیث را در بین این علوم، مشخص

کرده ام. (ص ۳۱-۴۱)

نویسنده، در فصل دوم، به نقل سفرهای پژوهشگران حدیث از قیروان به مشرق زمین و



اندلس و بالعکس پرداخته و پژوهشگران و آثار و تالیفات هر یک را در بوته نقد قرار داده است.

در باب دوم هم بحث را به سنت و نقش آن در قیروان، اختصاص داده و آن را به سه

فصل تقسیم نموده است:

۱. در فصل اول، نخست از مظاهر رشد علمی، خصوصاً در زمینه نقل حدیث و حدیث پژوهی و اشتیاق طالبان حدیث در این دوره از تاریخ، صحبت به میان آورده و آن را با بحثی در زمینه آداب محدث و طالب حدیث، روش آموزش حدیث، و راه‌های نقل و ضبط حدیث، خاتمه داده است.

در فصل دوم نیز بیشتر در زمینه شناخت راویان و شرایط پذیرش روایت آنان و نقل نمونه‌های حدیث از بعضی آنان، و نیز از مباحث رجالی و جرح و تعدیل و شناخت صحابیان بحث کرده است.

و سپس در پایان، نکاتی چند درباره مشکلات و سختی‌هایی که در تهیه و تنظیم این بحث برایش پیش آمده، از قبیل: سختی شروع به کار با کمبود مآخذ، نیاز زمانی بسیار برای تهیه و جمع‌آوری همه مدارک و سندهای معتبر روایی و درایی، تراکم جریانات و حوادث به وقوع پیوسته در این برهه از تاریخ، و مشکلات دیگر یاد کرده است.

قیروان و اهمیت آن در رشد علوم در افریقا

قبل از ورود به این بحث، بهتر است که نخست، محدوده جغرافیایی افریقا را مشخص کنیم تا بتوانیم موقعیت قیروان را نسبت به این قاره بزرگ بررسی کنیم.

در کتب جغرافیا بین دانشمندان، هم در لفظ افریقا و هم در محدوده آن، اختلاف نظر وجود دارد. بعضی مثل صاحب معجم البلدان، آن را به کسر همزه، افریقا^۱ و برخی به فتح همزه، افریقا خوانده‌اند.^۲ گفته شد که مراد از افریقا، سرزمین‌های بین برقه و طنجه^۳ است

۱. معجم البلدان، ج ۱، ص ۲۲۸.

۲. فتح المغیث، ج ۳، ص ۱۴۸.

۳. مسالک البکری، ص ۲۱؛ اللباب، ج ۱، ص ۷۹؛ دائرة المعارف الاسلامیة، ج ۲، ص ۳۳۷.



که بنابراین قول، شامل مغرب و الجزایر و تونس و قسمت بزرگی از لیبی می‌شود.^۴
قول دیگر این است که افریقا بین برقه و تاهرت، یعنی الجزایر و تونس و قسمت
زیادی از لیبی است.

قول سوم، محدوده افریقا از طرابلس تا بجایه دانسته است؛ یعنی شامل تونس و
قسمتی از الجزایر و بخشی از لیبی می‌شود.^۵

بعضی نیز گفته‌اند: افریقا بین طرابلس لیبی و قسنطینه، یعنی چیزی که نزدیک
محدوده شهرهای تونس کنونی است.^۶

و قول و نظر آخر این که افریقا همان شهر قیروان است.^۷

این اختلاف‌ها به دلیل موقعیت‌های سیاسی و اقتدار حاکمانی بوده که بر این
سرزمین‌ها حکومت می‌کرده‌اند که گاهی بر اثر نفوذ یک حاکم، دایره آن وسیع و گاهی بر
اثر عدم اقتدار سلطانی محدوده آن کم‌تر می‌شده است.

به هر تقدیر و تحت هر شرایطی، قیروان در این بین از نظر موقعیت، محوریت و
مرکزیت دینی و سیاسی برای افریقا دارد. به همین علت، در کتب تاریخی و در این
کتاب، در بسیاری از موارد، ملاحظه می‌شود که لفظ قیروان به جای لفظ افریقا استعمال
شده و این، به موقعیت بالا و الوایی که این منطقه در آن محدوده تاریخی داشته، اشاره
دارد.

تأسیس قیروان

قیروان، معرب واژه فارسی «کاروان» و به معنای قافله و یا لشکر است و شاید دلیل
نامگذاری اش آن بوده که محلّ نقل و انتقال و نیروهای نظامی و ابزار جنگی و به عبارتی

۴. دائرة المعارف الاسلامیة، ج ۲، ص ۳۳۸.

۵. معجم البلدان، ج ۱، ص ۲۲۸.

۶. دائرة المعارف الاسلامیة، ج ۲، ص ۳۳۸.

۷. فتح البلدان، ص ۲۳۰، تاریخ ابن القرقسی، ج ۲، ص ۱۱۲.



ضرآدخانه ارتش بوده است.^۸

قیروان کنونی در جنوب غربی شهر تونس قرار دارد و منسوبان به آن را قَرَوِی یا قَیْرَوَانِی گویند. درباره تاریخ تأسیس آن، بعضی گفته اند: زمان تأسیس آن، هنگام جنگ عبادله در سال ۲۷ق، بوده که ابن ابی سَرْح به آن جا وارد شد و سگّه ضرب نمود.^۹ معاویه بن خدیج، اوکین کسی بود که در سال ۴۵ق، برای سربازان، خانه ساخت و آن جا را قیروان نامگذاری کرد.^{۱۰}

هنگامی که ابومهاجر امیر و سلطان افریقا شد، شهر تیگروان را بنا کرد که با قیروان، دو میل فاصله داشت.^{۱۱}

اهمیت علمی قیروان در افریقا

زمینه رشد علمی در افریقا، قبل از پیدایش قیروان نیز وجود داشت؛ لیکن این دگرگونی کاملاً نامنظم و ناپیوسته بود، به صورتی که از سال ۲۷ق، به بعد، فقط بیست نفر در زمینه علوم حدیث فعالیت داشتند که آنان نیز از اصحاب رسول خدا بودند و در مدتی کوتاه توانستند عده ای از بربرها را مسلمان کنند، گرچه با مشکلاتی از قبیل ناهماهنگی در زبان و آداب و رسوم همراه بودند؛ ولی با همه این احوال به خوبی توانستند از عهده این کار برآیند. به دنبال غزوات و هجوم های پی در پی مسلمانان به این بلاد، رفته رفته، گسترش علمی بیشتر ظاهر شد و قیروان، به یک «دارالعلم» در منطقه افریقا تبدیل شد و بزرگانی از محدثان و فقها و قراء در آن جا پرورش یافتند و همین امر، باعث شد تا بسیاری از طالبان علم از اقصی نقاط مغرب و اندلس و سایر ممالک به این سرزمین روی آوردند که نتیجه اش این شد که در مغرب، قیروان را «دارالسنه و الجماعة» می نامیدند.

۸. معجم البلدان، ج ۴، ص ۴۲۰؛ مرآة الإطلاع، ج ۳، ص ۶۱۳۹؛ معالم تاریخ المغرب، ص ۳۶.

۹. ر. ک: بیان المغرب.

۱۰. الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۲۳۱؛ الاستقصاء، ج ۱، ص ۷۷.

۱۱. حسن بیان، ص ۷۷.



نقش اوضاع سیاسی در گسترش علم در قیروان

موقعیت سیاسی در افریقا، دائماً دست‌خوش تغییر و تحول بود و دولت‌هایی که روی کار می‌آمدند، از نظر عقاید سیاسی با هم تفاوت داشتند و همین امر، اثر نامطلوبی در پیشبرد علوم، خصوصاً علم دین داشت. این دوران آشفته را مورخان، «عصر الولاة» نام نهاده‌اند که زمانش بین سال‌های ۹۶ تا ۱۸۴ ق، بود. ^{۱۲} البته از سال ۱۳۷ ق، که حکومت اندلس به دست عبدالرحمان بن معاویه بن هشام بن عبدالملک افتاد، وضع افریقا نیز کمی بهتر شد و با مراداتی که عرب‌ها با عجم‌ها پیدا کردند، شوق تعلم و ترویج دین و تجدید بنای مساجد و اماکن مقدس اسلامی بین علما و حتی مردم، بیشتر شد و این دوران، تقریباً دوران شکوفایی اسلام در افریقا محسوب می‌شود.

پیدایش اسماعیلیه در قیروان

طی سال‌های ۲۹۶ تا ۳۶۲ ق، طایفه اسماعیلیه (باطنیان) تبلیغات خود را در قیروان آغاز کردند و اوکین کسی را که برای این امر فرستادند، حسین بن احمد بن محمد بن زکریای صنعانی بود که در سال ۲۹۶ ق، وارد قیروان شد.

تاریخ‌نویسان، دوران گسترش و رشد اسماعیلیه را هشتاد و شش سال رقم زده‌اند که این دوران، با بیعت عدّه زیادی از اهل قیروان با عبدالله سدری در جهاد با عبیدالله در سال ۳۰۹ ق، پایان یافت.

موقعیت دینی قیروان

در این دوران، مذاهب مختلفی در قیروان پدیدار شد که هر یک، مردم را به سوی خویش دعوت می‌نمودند و همین امر، باعث ایجاد مناظرات و مناقشات متعددی بین دانشمندان و فقیهان آن عصر گردید؛ ولی در بین فرقه‌های اسلامی، مذهب مالکی رواج خاصی داشت

۱۲. نهاية الأرب، ج ۲۴، ص ۵۳؛ تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۵۴؛ الكامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۲۲۲؛ تاریخ الاسلام، الذمبی، ج ۵، ص ۲۷.



و مذاهب دیگر، از قبیل مذهب ابو عمر آوزاعی و مذهب سفیان ثوری را در اقلیت قرار داشت.

اوضاع اجتماعی قیروان

در آغاز فتح افریقا به دست مسلمانان، رومی‌ها در آن جا اقامت داشتند و به دلیل این که خود را نژاد برتر می‌دانستند، با تسلط بر شهرها و استعمار مردم، زندگانی را بر ساکنان منطقه سخت کرده بودند؛ گرچه بربرها نیز که ساکنان اصلی آن مناطق را تشکیل می‌دادند، در کنار سایرین زندگی می‌کردند؛ ولی رومی‌ها بر آنها سلطه بیشتر داشتند.

با فتح افریقا به دست مسلمانان، عده زیادی از رومی‌ها به شهرهای خود بازگشتند و فقط تعداد کمی از آنان باقی ماندند و حتی عده‌ای از مردم افریقا را به دنیال خود بردند؛ ولی بربرها با وجود مقاومت شدیدی که در مراحل اولیه در مقابل مسلمانان از خود نشان دادند، وقتی بی‌آلایشی و سهل بودن قوانین اسلام و حکومت مسلمانان را دیدند، گروه گروه به اسلام گرویدند.^{۱۳} هنگامی که مسلمانان شهر قیروان را در سال ۵۰ ق، تأسیس کردند، اولین ساکنان آن عرب‌ها و پس از آن، بربرها و به تدریج، سایر اقشار مردم بودند.

اوضاع اقتصادی قیروان

به گواه تاریخ، با نفوذ اسلام بر سرزمین‌های افریقایی، غنایم بسیاری به دست مسلمانان افتاد، ولی بیشتر این غنیمت‌ها به سمت مشرق زمین برده شد و همین امر، باعث رکود اقتصادی در آن جا شد. با استقرار یافتن اسلام در بین بربرها، مردم شروع فعالیت‌هایی از قبیل به کشاورزی و تجارت کردند؛ اما کار آنها رشد چندانی نداشت. در بین سال‌های ۱۸۴ تا ۱۹۶ ق، با ظهور ابراهیم بن اعلب و قدرت یابی اغالبه، وضع دگرگون شد و رشد چشمگیری در تجارت و کشاورزی و صنعت مردم بروز کرد و همین امر، باعث شد تا اثر

۱۳. تاریخ ابن خلدون، ج ۶، ص ۱۰۷.



مثبتی در آبادانی مسجدها و راه‌ها و آب‌راه‌ها و پل‌ها و حمام‌ها و بازارها پدیدار گردید^{۱۴} و با ورود تجار و جهانگردان به این شهرها و رونق اقتصادی، زمینه نشر فرهنگ اسلامی و مدارس دینی در افریقا گسترش یافت.

مراکز علمی در قیروان

هنگامی که مسجد جامع قیروان در سال ۵۰ ق، یعنی ابتدای تأسیس قیروان، بنا نهاده شد، شوق ساختن مسجد و برپایی جلسات علمی و فرهنگی در آنها بین مردم به صورت یک مسابقه درآمده بود، که خصوصاً در بین بعضی صحابیان و تابعیان بیشتر دیده می‌شد. البته این اشتیاق در زمینه علم حدیث در بین آنان کم‌تر از اشتیاق صحابیان ساکن مشرق زمین بود؛ به علاوه که عقبه بن نافع، مؤسس قیروان، ضمن وصیتی به فرزندانش آنان را نصیحت کرده بود که از غیر ثقه، حدیث نشنوند و نقل نکنند و آنچه را که آنان را از قرآن دور می‌کند، دنبال نکنند.^{۱۵}

این امر تا زمان عمر بن عبدالعزیز، یعنی سال ۹۹ ق، ادامه داشت؛ ولی با ورود ده نفر از راویان معتبر حدیث به قیروان و ساخت مساجد، رشد علمی، خصوصاً در زمینه حدیث در قیروان روبه فزونی گذاشت و در اواسط قرن دوم هجری، تربیت یافتگان این مکاتب و مدارس، آماده سفر به مشرق زمین و کسب فیض از محضر علما و بزرگان مدینه الرسول شدند و با حضور در درس فقهای مدینه، اغلب این پژوهندگان دروس دینی به درجات و مراتب والایی رسیدند.

همان‌طور که اشاره شد، اولین مراکز علمی در قیروان، مسجدها بودند که علاوه بر اقامه نماز و سایر مراسم مذهبی، تدریس و مباحثه مطالب دینی و حدیثی از مهم‌ترین اموری بود که در این مرکز دینی انجام می‌شد و اولین مسجد - که همان مسجد جامع قیروان بود -، توسط عقبه بن نافع فهری بنا شد که به نوشته تاریخ نویسان، تعداد

۱۴. ر.ک: العبر، ج ۴، ص ۱۹۶؛ الاستقصاء، ج ۱، ص ۱۳۵.

۱۵. الاصابه، ج ۳، ص ۸۱.



ستون هایش به تعداد روزهای سال بود.

پس از آن، مساجد دیگری در قیروان بنا شد که فهرستوار از آنها نام می‌بریم:

۱- مسجد انصار که گفته شده به وسیلهٔ رُوَیْفَع بن ثابت انصاری در سال ۴۷ق، ساخته

شد.

۲- مسجد زیتونه که مسجد بزرگی بود و اسماعیل بن عبید انصاری، معروف به «تاجر الله» در سال ۹۱ق، آن را تأسیس کرد که حتی تا این اواخر نیز مردم در آن اقامهٔ جماعت می‌کردند.

۳- مسجد ابو میسرَه که آن را یکی از تابعیان در اواخر قرن اول هجری بنا نهاد. البته آن را به ابو میسرَه احمد بن نزار فقیه (م ۳۳۷ق) نیز نسبت می‌دهند. این مسجد اکنون نیز پابرجاست.

۴- مسجد حَنَش صنعانی تابعی که مرکز عبادت و تدریس علم بود.

۵- مسجد ابو عبدالرحمان عبداللّه بن یزید حُبَلی (م ۱۰۰ق) که مرکز نشر علم بود.

۶- مسجد عَلی بن رباح لخمی (م ۱۱۴ق) که در خود، علمای بزرگی را تربیت

نمود.

۷- مسجد سَبِت که مرکز اجتماع صلحاء، قراء و حفاظ بود که از اول روز تا شب، محلّ اجتماع و جلسات متعدد بود. گاه علوم انسانی و مطالعات فزنی

۸- مسجد خمیس که این مسجد نیز همانند مسجد سبت بود.

مساجد دیگری نیز در قیروان وجود داشت که هر کدام به نام شیخ و بزرگ آن ناحیه که در

آن تدریس می‌کرد، نامگذاری شده بود که به شهرت و رونق مساجد نامبرده نمی‌رسیدند.

مکتب خانه ها

دومین مرکز ترویج و نشر علوم دینی در قیروان، مکتب خانه‌هایی بودند که بچه‌ها در آنها مشغول تحصیل می‌شدند. در این مراکز، علاوه بر تدریس علوم ابتدایی به اطفال، سعی می‌شد آنان را از مسائل شرعی و احکام دینی نیز آگاه کنند. دارقطنی به نقل از غیاث بن ابی



شیب، در مورد قدمت این مکتب خانه‌ها در قیروان، چنین نقل می‌کند که روزی سفیان بن وهب، صحابی رسول خدا، از محله ما عبور می‌کرد. با این که ما طفلی کوچک بودیم، ولی او به ما سلام کرد و عمامه اش را کمی مرتب نمود و شروع به درس دادن به ما کرد. ۱۶

به نقل تاریخ نویسان، سفیان دو مرتبه به قیروان سفر کرد که یکی در سال ۶۰ و دیگری سال ۷۸ق، بود که این امر، دلیل بر تأثیر و اشاعه فرهنگ دینی از سوی مکتب خانه هاست.

کتاب خانه های عمومی

کتاب خانه ها نخست در مساجد تأسیس می شدند و رابطه تنگاتنگی با مسجدها داشتند؛ ولی به تدریج، تعداد آنها بیشتر شد و به صورت مستقل نیز وظیفه اطلاع رسانی را بر عهده گرفتند.

معروف ترین و مشهورترین کتاب خانه های عمومی در قیروان، کتاب خانه مسجد جامع عقبه بن نافع بود که از ابتدای قرن سوم، در عهد اغالبه تأسیس شد و تا زمان سحنون، محل ترویج علوم دینی بود.

صاحب الحُلل می گوید که در این کتاب خانه، کتاب های موقوفه قدیمی از عهد سحنون، یعنی از سال ۲۴۰ق، به چشم می خورد که یکی از این تفایس، کتاب الموطأ ابن قاسم است. ۱۷

کتاب خانه های خصوصی

به دلیل اهتمام زیادی که علمای قیروان به تدوین کتب و تکثیر آن داشتند و اشتیاقی که نسبت به جمع آوری این کتاب ها وجود داشت، بسیاری از آنها در خانه هایشان کتاب خانه

۱۶ . تاریخ الکبیر، ج ۷، ص ۱۰۹؛ الجرح والتعديل، ج ۷، ص ۵۷؛ أسد الغابه، ج ۲، ص ۳۲۳.

۱۷ . الحلل السُّنْدِیَّة، ج ۱، ص ۱ (ش ۲۶۱).



شخصی داشتند که مهم ترین این کتاب خانه ها به شرح زیرند:

۱. کتاب خانه امام سحنون که در آن تمامی کتاب های عبدالله بن وهب که اغلب آنها را کتاب های حدیثی از قبیل صحاح سنّه و الموطأ مالک بود، تشکیل می داد.
۲. کتاب خانه علی بن حمید تمیمی که از حاکمان وقت بود و بعد از فوتش کتاب هایش به هزار و دویست دینار فروخته شد.
۳. کتاب خانه محمد بن سحنون که حدود دویست عنوان کتاب در علوم حدیث و رجال و علوم قرآن و فقه و تاریخ و سیره و از این قبیل بود.
۴. کتاب خانه عیسی بن مسکین که اتاقی از خانه او را پُر کرده بود و به گفته خودش تمامی این کتاب ها روایی بود.
۵. کتاب خانه محمد بن بسطام ضبّی.
۶. کتاب خانه حمدون بن مجاهد کلبی که حدود سه هزار و پانصد عنوان کتاب (که تمامی آنها به خط خود او بود) در آن جا به چشم می خورد.

کتاب خانه های بازار

این کتاب خانه ها بیشتر عنوان کتابفروشی داشتند و تقریباً شبیه دکان های صرافیه بودند و علاوه بر فروش و یا مبادله کتاب، عده ای برای نسخه برداری از روی کتاب ها به این مراکز مراجعه می نمودند و به دلیل جذابیتی که پیدا کرده بودند، محل تردد و جلسات مختلف طلبه ها بود.

«دارالحکمة»ی قیروانی^{۱۸}

در بسیاری از مصادر قدیمی، به این مرکز و مؤسس آن اشاره شده است؛ ولی کیفیت بنا و تاریخ تاسیس آن و این که چه دروسی در آن جا گفته می شده، بیان نشده است. بعضی بر

۱۸. ر.ک: ورفات عن الحضارة العربية، ج ۱، ص ۲۷.



این عقیده اند که چون به سبک «دارالحکمة»ی بغداد بنا شده بود، به همان سبک و سیاق، علوم ریاضی و فلسفه در آن جا تدریس می شده است. طبق نقل، دارالحکمة قیروانی، اوکین دانشگاه علوم تجربی در افریقا به حساب می آمده و در حدود سال های ۲۹۸ق، محدودیت درس های آن برداشته شده و علوم قرآنی و دینی نیز در آن تدریس می شده است.

کاروان سراهای مرزی

این کاروان سراها غالباً کنار ساحل دریا ساخته می شدند تا علاوه بر استراحتگاه بودن مسافران، دژی برای مواظبت مرزها از هجوم دشمن باشند.

در اواسط قرن دوم هجری، ساخت این بناها به دست بعضی از حاکمان دولت عباسی در افریقا آغاز شد. یکی از این حاکمان، هرثمة بن أعین است که منصوب هارون الرشید بود و در سال ۱۸۰ق، ساختمان کاروان سرای مرزی ای به نام «المنستیر» را بنا کرد.

کم کم تعداد این کاروان سراها زیاد شد و حتی بعضی از علما، سهمی برای ساخت آن قرار دادند که یکی از آنان، ابن عبدربه فقیه بود. او کاروان سرای زیاد را به کمک بعضی از مسلمانان بنا کرد.^{۱۹}

نشر حدیث از طریق این کاروان سراها از اهمیت بسیاری برخوردار بود. یکی از ناشران حدیث در این مکان ها سعید بن اسحاق کلبی (م ۲۹۴ق) بود.

خانه های علما

مدرس قرار گرفتن خانه های علما، از دیرزمان امری مرسوم بود. در قیروان نیز بسیاری از این منازل، مرکز تعلیم و تربیت طلاب و پژوهندگان علوم دینی بود که تدریس علوم حدیث نیز این قاعده مستثنا نبود. این جلسات درس و بحث، وقتی در خانه های علما فزونی گرفت که در زمان بنی عبید، تدریس در مساجد، ممنوع اعلام شد و همین باعث شد که



علما به جهت حفظ سنت، این جلسات را به داخل خانه های خود، سوق دهند.^{۲۰} بعد از مهاجرت بنی عبید از قیروان به مصر در سال ۳۶۲ ق، رشد و تکامل علمی دوباره به مساجد بازگشت و جلسات بحث و تدریس در مساجد، از سر گرفته شد.

مجالس سلاطین

یکی از مراکز علمی، مجالس هایی بود که حاکمان قیروان برپا می کردند. در این نشست های علمی، از علما و بزرگان، برای مباحثه دعوت می شد. وقتی محمد بن اشعث خزاعی در سال ۱۴۴ ق، حاکم قیروان شد، از مردم آن جا پرسید: «آیا کسی در شهر شما حدیث می داند؟». گفتند: «بلی، مردی به نام یزید بن ابی منصور، از تابعیان، اهل حدیث است». این شخص، اواخر عمر خود را به مذاکره حدیث، مشغول بود.^{۲۱}

ببلاق ها

مکان های تعلیم، منحصر به شهرها و آبادی ها نبود. گرچه بیشتر این مراکز در شهرها بود؛ ولی روستاهای خوش آب و هوا نیز این قاعده مستثنا نبودند و با سفر استادان و حدیث پژوهان به قریه ها و مکان های خوش آب و هوا، تنور تدریس حدیث در این مکان ها نیز گرم شد. غیبی بن مسکین (م ۲۹۵ ق)، یکی از علمایی بود که در روستای خود به تعلیم حدیث و تربیت طلاب مشغول بود.^{۲۲}

میدان های جنگ

یکی دیگر از مراکز تعلیم و تعلم، میدان های جهاد بود. این کار از هنگامی آغاز شد که حاکمان وقت، علما را به میادین جنگ می فرستادند که اولین مورد آن در جنگ با خوارج

۲۰. تاریخ ابن القرضی، ج ۱، ص ۱۵۳ و ۲۰۱.

۲۱. ر. ک: البیان المغرب، ج ۱، ص ۷۲؛ طبقات علماء افریقیة، ابوالعرب، ص ۲۱.

۲۲. ر. ک: وراقات عن الحضارة العربية، ج ۲، ص ۱۰۴.



رخ داد که وظیفهٔ علما در آن جنگ، آگاه کردن سربازان نسبت به عقاید باطل خوارج و تعلیم آیات قرآن و احادیث به آنان بود.

قبرستان‌ها

هنگامی که نشر علم از طرف بنی عبید، ممنوع اعلام شد، علمای قیروان، مجبور به تدریس مخفیانه شدند. به عنوان نمونه، ابو عبدالله محمد بن فتح (م ۳۳۴ق) به قبرستان باب سکم می‌رفت و پشت دیوار قبرستان، به صورت پنهانی مشغول درس دادن می‌شد. ۲۳

موقعیت حدیث در قیروان

محور بحث‌های فقهی علمای قیروان، احادیث پیامبر اکرم بود. در بحث‌های تفسیری نیز پس از بررسی آیات و اقوال صحابی‌ان و تابعیان، به احادیث استناد می‌کردند. این امر تا قرن سوم ادامه داشت تا این که برای هر علم و فنی از جمله علم حدیث، کتاب خاص خودش تدوین شد. در زمان عمر بن عبدالعزیز، عالمانی مثل محمد بن شهاب زُهری (م ۱۲۴ق) به قیروان آمدند و مشغول جمع‌آوری احادیث و تدوین کتب حدیثی شدند ۲۴ و این کار را افرادی مثل اسماعیل بن عبیدالله بن ابی مهاجر (م ۱۳۱ق) و بکر بن سوادهٔ جذامی (م ۱۲۸ق) ادامه دادند.

کتب حدیثی رایج در قیروان

- ۱- الموطأ مالک، بن روایت علی بن زیاد. این اثر، اولین کتاب حدیثی تصنیف شده در افریقا به شمار می‌آید و اولین کسی که الموطأ را به افریقا آورد، علی بن زیاد (م ۱۸۳ق) بود.
- ۲- الجامع الکبیر سفیان ثوری (م ۱۶۱ق).

۲۳. الرياض، ج ۲، ص ۳۱۳.

۲۴. جامع بیان العلم، ج ۱، ص ۷۶.



- ۳- الجامع الاوسط سفیان ثوری به روایت علی بن زیاد.
- ۴- الجامع عبدالله بن وهب (م ۱۹۷ق). این کتاب توسط سحنون، شایع و رایج شد.
- ۵- کتاب های محدث انس بن عیاض (م ۲۰۰ق) به روایت محمد بن تمیم قفصی.
- ۶- کتاب حافظ ابوالاحوص سلام بن سلیم (م ۱۷۹ق) که توسط عباس بن ولید فارسی به افریقا آورده شد.
- ۷- المصنّف وکیع بن جراح، به روایت موسی بن معاویه صمّادحی (م ۲۲۵ق).
- ۸- کتاب السنة عبدالرحمان بن مهدی (م ۱۹۸ق) که توسط موسی بن معاویه ترویج شد.
- ۹- مسند مُسَدّد بن مُسَرّهَد که بکر بن حمّاد، آن را قبل از سال ۲۲۴ق، در قیروان و شهرهای اندلس منتشر نمود.
- ۱۰- مسند اسد بن موسی، معروف به «أسد السنة» (م ۲۱۲ق) که در سال ۲۲۵ق، به قیروان آورده شد.

مکتب قیروان و مکاتب حدیثی اندلس و شرق افریقا

موقعیت جغرافیایی قیروان و معروفیت علمای فاضل آن و نیز اشتها مردمش به فراگیری علم، باعث ارتباط آن با علمای مشرق زمین شده بود و همین امر، باعث کوچیدن اندلسی ها و سایر بلاد به سوی قیروان شده بود. آنچه این ارتباط را شدیدتر می کرد، مناسک و فریضه حج بود که با حرکت مردم از مناطق مختلف افریقا جهت شرکت در مراسم حج، باعث تلاقی گروه های مختلف آنان و تبادل آرا و افکار علمی بین آنان می شد و رواج بیشتر پیدا می کرد. این امر، از ناحیه قیروان بیش از جاهای دیگر مشاهده می شد و علمای قیروان، در نشر علوم، نقش بیشتری داشتند.

* * *

جلد دوم کتاب، شامل باب سوم است و از دو فصل ترتیب یافته است. در فصل



اول، مصنف به معرفی مشهورترین راویان حدیث و علمای حدیث در قیروان پرداخته و در فصل دوم، معروف ترین مصنفات حدیثی در قیروان را نام برده است.

راویان و علمای حدیث در قیروان

اولین کسانی که هنگام تأسیس قیروان، جهت نشر علم به آن جا مهاجرت نمودند، صحابیان رسول اکرم بودند که تعداد آنان را مختلف ذکر نموده اند. ابن عذاری می گوید: اصحاب رسول خدا که به افریقا و قیروان مهاجرت نمودند، بسیار بودند. ۲۵

این مهاجرت ها از سال ۲۷ تا ۷۸ق، ادامه داشت و به مرور زمان، تعداد آنان افزون می شد و به همین دلیل، نمی توان آمار دقیقی از آنان ارائه کرد. ابوالعرب از هفده نفر آنان نام برده است و مالکی از بیست و نه نفر. دباغ، به سی صحابی اشاره می کند و صاحب شجره، به چهل و یک نفر. این اختلاف، از آن جا ناشی می شود که بعضی از آنان را جزو صحابی به شمار نمی آورند، بلکه می گویند یا از تابعیان هستند، یا اسم آنان با دو عنوان تکرار شده است. ۲۶

نقش صحابیان در قیروان

نقش دادن صحابیان در انتشار سنت، امری طبیعی بود؛ زیرا آنان رسول خدا را درک نموده بودند و بر این مهم، کمر همت بسته بودند که آنچه را از پیامبر (ص) آموخته بودند، به دیگران تعلیم کنند و این که آنان نمی توانستند دائماً در یک نقطه بمانند و مجبور بودند از جایی به جای دیگر بروند، علت دیگری برای انتقال سریع علوم دینی به مردم بود.

جَبَلَةُ بن عمرو انصاری، رُوَيْفَع بن ثابت انصاری، زیاد بن حارث صدایی، سفیان بن وهب خولانی، عبدالله بن سعد بن ابی سرح، عبدالله بن عمر بن خطاب، فضالة بن عبید

۲۵. البیان المغرب، ج ۱، ص ۸.

۲۶. ر.ک: طبقات علماء افریقیة، ج ۱۶، ص ۱۷؛ فتوح مصر، ص ۳۱۸؛ الإستقصاء، ج ۱، ص ۹۰، البیان

المغرب، ج ۱، ص ۲۰-۲۳؛ معرفة الصحابة، أبو نعیم، ج ۱، ص ۳۰۰؛ شجرة النور، ج ۲، ص ۹۷-۱۰۰.



انصاری، مَنیذِر اسلمی افریقی، ابو زَمعة بلوی و ابویقظان، ده تن از اصحاب رسول خدا هستند که در قیروان به نشر حدیث پرداخته اند.

راویان از تابعیان

از سال ۲۷ تا ۶۲ق، تمامی کسانی که در حمله دوم عقبه بن نافع به افریقا همراه وی بودند، به استثنای صحابه، همگی جزء تابعیان محسوب شدند. بنابراین، اگر در منبعی تعداد آنان را هزاران نفر ذکر کرده اند، نباید تعجب کرد؛ زیرا بعد از آن نیز گروه گروه، از تابعیان برای نشر علوم دین به قیروان مهاجرت می کردند و این مهم، بیشتر بین سال های ۶۵ تا ۹۹ق، و به فرمان عمر بن عبدالعزیز صورت پذیرفت.

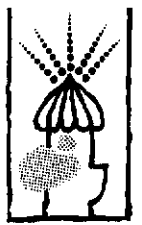
نقش تابعیان در نشر سنت در قیروان

پس از صایبان که بنیانگذار بنای استوار نشر حدیث در قیروان بودند، تابعیان نیز در این زمینه نقش بزرگی را برعهده داشتند؛ زیرا اوّلآ آنها ملازم صحابیان بودند و مهمّات علم را از آنان آموخته بودند. ثانیاً در زمان تابعیان، امنیت در قیروان بیشتر شده بود و لغت عرب در آن جا شیوع پیدا کرده بود. ثالثاً بعضی آنان از اهالی همان شهرها بودند و به همین دلیل، نفوذ بیشتری در همشهری های خود داشتند. رابعاً ارتباط شدیدی که بین علم حدیث و علم فقه بود و نیازی که آنان حس می کردند، و ادارشان می کرد که در کنار علم فقه، به دنبال تعلیم علم حدیث بروند و تابعیان، عهده دار این مهم بودند.

تابعیان راوی در قیروان

۱- ابو منصور فارسی، که آزاد شده سعدبن ابی وقاص بود. ابوالعرب، او را جزو بزرگان تابعیان به حساب آورده؛ گرچه ابن ابی حاتم و بخاری، احادیث او را مُرسل می شمارند. ۲۷

۲۷. ر. ک: طبقات ابوالعرب، ص ۱۹؛ الإستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱؛ الإصابة، ج ۴، ص ۱۸۶ و ج ۳، ص ۶۲۵؛ تعجیل المنفعة، ج ۱، ص ۲۵۰؛ الجرح والتعديل، ج ۹، ص ۴۴۱.



۲ - کَسِیان مَقْبَری، که آزاد شده بنی لیث بود. او از بزرگان تابعیان محسوب می‌گردید و ثقه بود. احادیث بسیاری از او نقل شده، به حدی که او را «کثیر الحدیث» می‌نامیدند. ۲۸

مشهورترین مصنفات حدیثی در قیروان

قابل توجه است که بیشتر مصنفات حدیثی در افریقا بر اثر رویدادهایی که اتفاق می‌افتاد و تغییر و تحولات ناشی از تعویض دولت‌ها و حکومت‌ها، از بین رفت و فراموش شد؛ ولی کتب باقی مانده را می‌توان به حسب اهمیت، این‌گونه دسته‌بندی نمود:

- ۱ - مسانید. از جمله مسانید، می‌توان از مسند محمد بن سخنون در حدیث و مسند ابویسر ابراهیم بن احمد شیبانی و مسند حدیثی مالک (که غیر از الموطا است)، نام برد.
- ۲ - کتاب‌هایی که در موضوعات مستقل یا به تبع موضوعات دیگر، تصنیف می‌شد. مهم‌ترین این کتاب‌ها عبارت بودند از: الجامع یحیی بن سلام، کتاب السنن (یا الجامع)، المغازی والتاریخ، تالیف ابو محمد عبدالله ابی زید، الممهّد ابوالحسن قابسی، الکتاب الکبیر ابوالقاسم عبدالرحمان بن محمد اللبیدی، الجامع فی الاحکام ابوالقاسم زیدون بن علی سبیبی قیروانی.

سایر انواع مصنفات

دیگر گونه‌های مصنفات حدیثی در قیروان را می‌توان به این شرح شمرد: عوالی حدیثی، کتب امالی، شروح حدیث، مختصر سازی‌ها، مصنفات در باب وجوب اعتصام به سنت، مصنفات در غریب الحدیث، کتاب‌های جرح و تعدیل، کتاب‌های طبقات و تراجم راویان، فهارس شیوخ، کتاب‌های وقایع، کتاب‌های آنساب، کتاب‌هایی در فضایل و مناقب علما، و کتاب‌های تاریخ و سیره.

۲۸. ر. ک: تاریخ الاسلامیة، الذهبی، ج ۴، ص ۷۶؛ الاصابة، ج ۳، ص ۳۰۰؛ الإستیعاب، ج ۴، ص ۹۴؛ طبقات ابن سعد، ج ۵، ص ۸۵؛ اسد الغابة، ج ۵، ص ۲۱۲.